

فارسی هشتم درس ۱۱: پرچم داران

شعرهای میهنی، برای بیان حسّ غرور، **عظمت** و افتخار ملی سروده می‌شوند. به هنگام خواندن این گونه متن‌ها باید با حفظ استواری کلام و تأکید بر واژگان کلیدی متن، همچون «وطن...» لحن مناسب و آهنگ حماسی را به کار گرفت.

ایران، سرزمینی بزرگ و عزیز و **شکوهمند** است. سرزمینی که دین و زبان و فرهنگ و جسم و جان من و تو در آن پرورش یافته و اکنون پاره‌ای از پیکرهٔ ماست. اگرچه در طول تاریخ، ستم‌ها و **گزندهای** فراوانی دیده، اما هرگز ایمان، **عزت** و ارادهٔ **استوار** خود را از دست نداده است.

میهنی که در دوران دفاع مقدّس، لحظه‌های تلخ و شیرین بسیاری را به چشم دیده و گرمی خون دل‌اوران را بر پیکر خود احساس کرده است و شهدای بسیاری را در دل خود جای داده و از گستاخی‌ها و بی‌رحمی‌های دشمن، خون دل‌ها خورده است.

در دوران جنگ **تحمیلی**، **خیل عظیم** نوجوانان و جوانان بسیجی و **جان برکفان** ارتشی و سپاهی، این پهنهٔ خدایی را به بنیانی استوار و سدی نفوذناپذیر و پایدار در برابر **هجوم** وحشیانهٔ صدام و **حامیان** امریکایی او، تبدیل کرد.

در آن ایام که دشمن، از آسمان و زمین، آتش بمب و موشک بر سر مردم بی‌گناه این سرزمین فرو می‌ریخت، ایران سرافراز هرگز رنگ نباخت و برخود نلرزید و جنب‌وجوش خود را رها نکرد؛ پابرجا ماند و درس پاکی، پایداری و پاسداری را به انسان‌های آزاده و دل‌زندهٔ جهان آموخت.

آری، در دوران دفاع مقدّس، جوانان مؤمن و سربازان شجاع این ملت در برابر **تازش** دشمن، به لطف پروردگار مهربان، حماسه‌های شگفت‌انگیز آفریدند و پس از پایان جنگ تحمیلی، **همت** و تلاش همین سربازان سربلند و **دلاوران** رشید، با علم و دانش و تخصص و تعهد درآمیخت، تا حافظ آبروی این سرزمین آسمانی و بیانگر فکر ایرانی باشد.

امروز نوجوانان شاداب و باایمان و جوانان سرزنده و پاک آیین میهن اسلامی، همانند **قلل استوار** و پایداری که **مایهٔ عزّت** و افتخار نسل‌های امروز و فردايند و **سیمای** وطن را به **زیور** و **شکوه خلّاقیت**

عظمت: بزرگی

شکوهمند: با شکوه، با عظمت

گزند: آسیب

عزت: استواری

استوار: محکم

تلخ و شیرین: تضاد

در دل خود جای دادن: کنایه از دوست داشتن

خون دل خوردن: کنایه از ناراحتی

تحمیل: وادار شده

خیل: لشکر، سپاه

جان برکف: کنایه از فدا شدن

هجوم: حمله، یورش

حامیان: حمایت کنندگان، پشتیبانان

آسمان و زمین: تناسب و تضاد

بمب و موشک: مراعات نظیر

رنگ باختن: کنایه از ترسیدن

برخود لرزیدن: کنایه از ترسیدن

جنب و جوش: کنایه از تلاش و تکاپو

پابرجا ماندن: کنایه از محکم بودن

دل زنده: کنایه از با نشاط

تازش: حمله

همت و تلاش: مراعات نظیر

دلاوران: شجاعان

سرزنده: کنایه از با نشاط

قلل: جمع قلّه، قلّه‌ها

استوار: محکم

مایه: دلیل، باعث

سیما: چهره

زیور: آرایش، زینت

شکوه: بزرگی

خلّاقیت: نوآوری، خلق کردن

خلّاقیت و نوآوری: مراعات نظیر

عرصه: میدان	و نوآوری می‌آرایند و به لطف خداوند بزرگ در همهٔ عرصه‌ها
عرصه و میدان: مراعات نظیر	ومیدان‌ها پرچم ایران اسلامی را با سرود سرفرازی و آزادمنشی
مأوا: پناهگاه	برخواهند افراشت.
مسکن: سرپناه، آرام بخش	وطن
ای وطن: تکرار	ای وطن، ای دل مرا مأوا
ای وطن، ای دل: تشخیص و استعاره	ای وطن، ای تن مرا مسکن
دل، تن: تناسب	ای وطن من، تو جایگاهی برای امنیت و آسایش و پناهگاه من هستی.
تو نور: تشبیه / ما چشم: تشبیه	ای وطن، ای تو نور و ما همه چشم
ای، وطن، تو، و، ما، همه: تکرار	ای وطن، ای تو جان و ما همه تن
چشم، تن، جان: مراعات نظیر	ای وطن، ما همه بینایی خود را از وجود تو می‌گیریم. ما بدنی هستیم که جان و روح ما تو هستی.
تن، جان: تناسب	نکته‌ای گویمت که گر شنوی
مهر: محبت	شاد، مانی به جان و زنده به تن
اهریمن: شیطان	نکته‌ای را می‌خواهم برای تو بازگو کنم که اگر بشنوی با دل و
مهر، دل: تناسب	جانت شادمان می‌شود.
اهریمن: استعاره از دشمن	آدمی را چو هفت مهر به دل
ناموس: آبرو، شرف	نبود کم شمار از اهریمن
عزت: بزرگی	انسان باید محبت هفت چیز را در دل داشته باشد که اگر چنین
خاندان: خانواده	نباشد این فرد را باید شیطان و دشمن تلقی کنی.
بیت: مراعات نظیر دارد	مهر ناموس و زندگانی و دین
حب: محبت، عشق	عزت و خاندان و مال و وطن
دل: مجاز از وجود	آن هفت محبت: علاقه به آبرو، زندگی، دین و مذهب، شرف و
	بزرگی، خانواده و دارایی و سرزمین
	و آن که حبّ وطن نداشت به دل
	مرده زان خوب‌تر به باور من
	و کسی که میهن دوستی و علاقه به وطن را در دل نداشته باشد. به
	اعتقاد من مرده از چنین انسانی بهتر است.

خود ارزیابی

۱- در متن درس، سرزمین ایران با چه ویژگی‌هایی توصیف شده است؟

سرزمین بزرگ و عزیز و شکوهمند، سرزمینی خون دل خورده، سرزمین ستم دیده، سرزمین عزتمند و استوار، سرزمین آسمانی، لحظات تلخ و شیرین دیده و...

۲- دربارهٔ ارتباط حدیث «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» با محتوای درس، توضیح دهید.

حدیث، دوست داشتن وطن را از ایمان می‌داند و درس نیز عشق به میهن و علاقه به آن را جز عقیده و باور انسان‌ها می‌داند.

۳- به نظر شما برای عزّت و سربلندی ایران اسلامی در عرصه‌های جهانی چه باید کرد؟

باید عاقل بود و عاقلانه اندیشید به نیروهای داخلی اعتماد کرد، از منابع داخلی برای ساختن کشور استفاده کرد.

دانش زبانی

وابسته‌های اسم (۲)

صفت اشاره، صفت شمارشی

به جمله‌های زیر، توجه کنید.

۱- آن قهرمان، پیروز شد.

۲- من این میز را ساختم.

در هر دو گروه اسمی مشخص شده، کلمهٔ (آن، این) پیش از اسم، «صفت اشاره» است که دربارهٔ دوری و نزدیکی آن اسم توضیح می‌دهد. چون صفت اشاره قبل از اسم می‌آید، «وابستهٔ پیشین» اسم، خوانده می‌شود. اکنون جمله‌های زیر را بخوانید:

۳- چهار دانش آموز به همان کلاس آمدند.

۴- اولین گروه در همین مسابقه پیروز شدند.

به گروه‌های اسمی مشخص شده در جمله‌های ۳ و ۴ توجه کنید.

در هر دو گروه اسمی، کلمه‌ای که قبل از اسم آمده است، صفت شمارشی است و دربارهٔ شمار اسم توضیح می‌دهد. اعداد اصلی (یک، دو، سه و ...) و ترتیبی (اولین، دومین، سومین و ...) صفت شمارشی هستند.

صفت‌های شمارشی که پیش از اسم می‌آید، وابستهٔ پیشین اسم نامیده می‌شود.

اکنون گروه‌های اسمی جمله‌های ۱ تا ۴ را به هسته و وابسته، تقسیم می‌کنیم.

گروه اسمی		
هسته	وابسته پیشین	
	صفت اشاره	صفت شمارشی
قهرمان	آن	-
میز	این	-
دانش‌آموز	-	چهار
کلاس	همان	-
گروه	-	اولین
مسابقه	همین	-

گفت‌وگو

۱- نمونه‌هایی از زیبایی‌ها و جاذبه‌های شهر و استان خود را بیان کنید.

۲- دربارهٔ راه‌های حفظ منابع طبیعی کشور عزیزمان، ایران، گفت‌وگو کنید.

ایران سرزمین چهار فصل، سرزمین گسترده شده در شرق و غرب و شمال و جنوب با کوه‌های سر به فلک کشیده شده دشت‌های فراخ، کویرهای زیبا، جنگل‌های انبوه، باغ‌های پر میوه، زمین‌های باردار و دریاهای نیلگون است. که گذشته از منابع طبیعی از منابع زیر زمینی عظیمی هم برخوردار است. بر ماست که قدر این منابع را بدانیم و آن را به آیندگانمان منتقل کنیم.

فعالیت‌های نوشتاری

۱- چهار کلمه مهمّ املائی از متن درس بیابید و برای هر کدام، یک متضاد و یک مترادف بنویسید.

کلمه	مترادف	متضاد
عظیم	بزرگ	صغیر
حامیان	حمایت کننده	دشمنان
رها	آزاد	اسیر
عزّت	ارجمندی	ذلت

۲- جمله‌های زیر را به اجزای آن تجزیه کنید؛ سپس هسته و نوع وابسته گروه‌های اسمی را مشخص کنید.

دشمن (هسته) بی‌رحم (صفت بیانی)، بمب (هسته) بر مردم (هسته) بی‌گناه (صفت بیانی)، فرو می‌ریخت.
این (صفت اشاره) ملت (هسته) شجاع (صفت بیانی)، در هشت (صفت شمارشی ترتیبی) سال (هسته)، حماسه‌های
(هسته) شگفت‌انگیز (صفت بیانی) آفریدند.

نهاد	مفعول	متمم	فعل
دشمن بی‌رحم	بمب	بر مردم بی‌گناه	فرو می‌ریختند
این ملت شجاع	حماسه‌های شگفت‌انگیز	در هشت سال	آفریدند

۳- در متن درس، یک تشبیه بیابید و رکن‌های اوّل و دوم آن را مشخص کنید.

جوانان سرزنده و پاک آیین میهن اسلامی (مشبه)، همانند (ادات) قُلل (مشبه به) استوار و پایدارند (وجه شبه).

املا:

الفبای خطّ فارسی در مقایسه با الفبای خط‌های مشهور دنیا، پرنقطه‌ترین است؛ بنابراین، در نوشتن املا لازم است حرف‌های یک نقطه‌ای، دو نقطه‌ای و سه نقطه‌ای را بشناسیم و نقطهٔ هر حرف را در جای خاصّ آن قرار دهیم. مثال:

نزد - ترد / بنی - نبی / بخاری - نجاری / بنات - نبات

شعر خوانی

ای وطن

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطن من! / ای تواناترین مظلوم

ای وطن ای استوار در سرسبزی، ای آفتاب آشکار / وطن من / (ای وطن) مظلوم من که تواناترین و قوی‌ترین سرزمین هستی.

چمن آفتابی: اضافه استعاری / وطن من: ای وطن من: تشخیص و استعاره

تو را دوست دارم! / ای آفتاب شمایل دریا دل / که نام خیابان‌هایت را شهیدان برگزیده‌اند

تو را دوست دارم. / ای وطن ای آفتاب صورت دریا دل / که نام خیابان‌هایت نام شهیدان است.

دریا دل: کنایه از شجاع، دلیر / ای آفتاب شمایل دریا دل: تشبیه

ای فروتن نیرومند! / ایستاده‌ایم در کنار تو، سبز و بلند

ای وطن ای فروتن و ای نیرومند / من در کنار توام و از تو دفاع می‌کنم شاداب و سربلند

سبز و بلند: کنایه از سرحال و راست قامت / ای فروتن نیرومند: تشخیص و استعاره

و تو آن درخت گردوی کهنسالی / و بیش از آنکه من خوف تبر را نگرانم،

و تو همانند درخت گردوی کهن سال و تناور هستی، (با عظمت و ابهت) / و قبل از آنکه من از ترس تبر نگران باشم.

تو آن درخت گردوی کهنسالی: تشبیه / خوف تبر: اضافه استعاری / تبر: استعاره از دشمن

تو ایستاده‌ای / و پسران تو / مردان نیایش و شمشیرند / و مادران صبوری داری

تو (استوار) ایستاده‌ای / و فرزندان تو / مردان عبادت و ستایش و مبارزه (با ظلم هستند) / و مادران تو بسیار شکیبا هستند.

پسران تو مردان نیایش و شمشیرند: تشبیه / پسر، مادر: تناسب / شمشیر: کنایه و مجاز از اهل مبارز

و پدرانی به غایت، جرأت‌مند. / دوست دارم تو را / آن گونه که عشق را

و پدرانی کاملاً شجاع و نترس / تو را (ای وطن) دوست دارم. / تو را دوست دارم مانند دوست داشتن عشق

به، که: جناس ناهمسان (ناقص) اختلافی / را: تکرار

دریا را / آفتاب را... / ای مجمع الجزایر گل‌ها، خوبی‌ها!

مانند دوست داشتن دریا / مانند دوست داشتن آفتاب / (ای ایران) جزیره انواع گلها (بهترین‌ها) و خوبی‌ها
دریا، آفتاب، مجمع الجزایر: تناسب / ای مجمع الجزایر: تشخیص و استعاره

ای بهار استوار! / ای اقیانوس موج عاطفه و خشونت...

(ای وطن) ای سرزمین پر مهر و محبت و خشونت (با دشمنان)
ای بهار استوار: تشخیص و استعاره / ای اقیانوس موج: تشخیص و استعاره / موج عاطفه: تناقض / عاطفه و خشونت:
تضاد

ای شکیبایی شکوهمند! / کجای زمین از تو عاشق‌تر است؟... / من از تو بر نمی‌گردم تا بمیرم

ای شکیبا و صبور و با عظمت / کدام سرزمین (کشور) از تو عاشق‌تر و زیباتر است. / من به تو پشت نمی‌کنم و
همیشه با توام تا بمیرم.

ای شکیبایی شکوهمند: تشخیص و استعاره / از تو برنگشتن: کنایه از عشق و علاقه / از تو: تکرار

و مرگ در کنار تو زندگی است.

و اگر در راه تو و در کنار تو بمیرم عین زندگی کردن است. (شهیدان زنده‌اند)
مرگ، زندگی: تضاد / مرگ زندگی است: تناقض یا پارادوکس (پارادوکس همان تناقض است)

تو را دوست می‌دارم. / چقدر به اقیانوس می‌مانی

تو را دوست دارم / چقدر مانند اقیانوس وسیع، عمیق و با عظمت هستی.
به اقیانوس می‌مانی: تشبیه

برای تو و به خاطر تو / ای پهلوان فروتن! / خدا چقدر مهربانی‌اش را وسعت داد

خدا به خاطر تو و برای تو / ای پهلوان فروتن مهربانی‌اش را به ملت ایران بیشتر کرد.
ای پهلوان فروتن: خطاب به وطن است که وطن مانند پهلوان است پس تشبیه دارد / تو: تکرار

در دورهای کویر طبس / آن اتفاق / یادت هست؟

در کویر دور افتاده شهر طبس آن اتفاق را به یاد می‌آوری؟
طبس: تلمیح به حمله آمریکایی‌ها که در طبس به واسطه طوفان شن زمین گیر شدند

نه من بودم و نه هیچ کس / خدا بود و گردباد.. / وطن من، اه ای پوپک مؤدب! / ای رویین تن متواضع! / ای متواضع
رویین تن! / ای وطن من!

نه من بودم و نه هیچ کدام از مردم ایران / خدا و طوفان شن بود. / وطن من آه ای هدهد مؤدب و با شخصیت. /
ای سرزمینی که هیچ چیزی در تو اثر ندارد با این همه متواضع و فروتنی / ای وطن من.

پوپک: مرغی است خوش خطّ و خال که کاکلی بر سر دارد. هُذْ هُذْ، شانه به سر / ای پوپک: تشخیص و استعاره /
ای رویین تن متواضع و ای متواضع رویین تن: آرایهٔ طرد و عکس / ای وطن من: تشخیص و استعاره
سلمان هراتی، از آسمان سبز